



ارسلان خلعت‌بری

وکیل دادگستری

\*\*\*\*\*

## همکاری و کلاء دادگستری

### با دستگاه قضائی

\*\*\*\*\*

قضات و وکلاء دادگستری لازم و ملزوم دستگاه قضائی میباشند آنقدر در این باره گفته و نوشته شده که تکرار یا نقل آن لطفی ندارد من این مقاله را فقط از نظر حفظ و یادآوری سوابق مینویسم تا این دوقوه که هرکدام مؤید یکدیگر از لحاظ لزوم وجودی آنها نسبت باساس قضاوت است همکاری یکدیگر را برای اعتلاء دستگاه قضائی مدنظر قراردهند.

در سال ۱۳۰۵ شمسی عدلیه جدید بوسیله مرحوم داور بوجود آمد آن مرحوم که تحصیلات حقوقی خود را در کشور سویس گذرانده بود تشخیص داد که برای موفقیت احتیاج بدو دسته دارد یکی حقوق دانان با تجربه اعم از قضات و وکلاء و دیگر حقوق دانان آشنا بحقوق اروپائی و بهمین جهت و بنابر همین سیاست بجای اینکه منفرداً اقدام کند همکاری عده‌ای از مستشاران دیوانعالی تمیز ووکلاء دادگستری را جزء برنامه کار خود قرارداد و با مشورت آنها در صدد اصلاحات و از همه مهمتر اصلاح قوانین برآمد.

بنابراین در پایه‌ریزی عدلیه جدید و تهیه و تنظیم قوانین وکلاء دادگستری دوشادوش مستشاران دیوانعالی تمیز قرار داشتند از قضات با تجربه و فقیه و حقوقدانها (حقوق اروپائی) میتوان این اشخاص را که همگی وفات نموده‌اند نام برد: سیدمحمد فاطمی - حاج‌سید نصراله اخوی - صدراالاشراف - محمدعبد - وجدانی - میرزا رضاخان نائینی - منصورالسلطنه عدل - میرزا جوادخان عامری. همکاران و مشاورین مرحوم داور از میان وکلاء دادگستری این اشخاص بودند که این عده از میان آنها در گذشته‌اند: سیدهاشم وکیل - احمد شریعت‌زاده - میرزا قوام‌الدین مجیدی - دکتر آقایان و تنها آقای رافائیل آقا بابیان‌الحمدلله با

سلامتی هنوز مشغول کار است.

وکلاء دادگستری چندین سال قسمت عمده وقت و نیروی خود را در اختیار وزارت دادگستری برای تهیه قوانین بلاعوض و افتخاری قرار دادند و در موفقیت تشکیلات جدید دادگستری سهم بسزائی دارند.

این همکاری ادامه داشت و در چندین مورد در سنوات بعد وکلاء دادگستری در موقع تهیه قوانین جدید و اصلاح قوانین دعوت میشدند و بعد از تأسیس کانون وکلاء چند نوبت وکلاء دادگستری بنمایندگی کانون در اصلاح و تنظیم قوانین مربوط بکیفر عمومی و آئین دادرسی کیفری و آئین دادرسی مدنی بدعوت وزارت دادگستری شرکت نمودند که جلسات مرتب آن هر کدام بیش از یکسال ادامه میداشت. از وکلایی که بشرح فوق در همکاری با وزارت دادگستری شرکت داشتند آنها که بیادمانده و درگذشته‌اند از اینقراراند: سیدهاشم وکیل - محمود سرشار - ابوالفضل لسانی و آقایان عمیدی نوری، دکتر شاهکار و خود نویسنده هم بابعضی دیگر شرکت داشتیم که از اینکه اسامی همه درگذشتگان و حاضرین بیادمانده و هرگاه اسمی از قلم افتاده باشد معذرت می‌خواهم.

یکی از موارد همکاری وکلاء دادگستری بدستگاه قضائی تقویت وکلاء دادگستری از لوایح مفیدی است که از طرف وزارت دادگستری بمجلسین تقدیم میشده و میشود و هر چند میتوان گفت که انجام وظیفه است ولی همکاری وکلاء دادگستری که نماینده در مجلسین بودند و هستند مؤثر در تصویب رساندن قوانینی است که بمجلسین پیشنهاد میشد و میشود و این همکاری هنوز ادامه دارد.

مواردی پیش آمده که در مجلسین از طرف بعضی از نمایندگان بدستگاه قضائی کشور تعرض بعمل آمده که از صورت انتقاد طبیعی خارج بوده یا در مطبوعات اشخاصی نسبت بدستگاه قضائی رعایت شئون انتقاد را نکرده از انتقاد پا فراتر گذارده و بمطلق دستگاه قضائی بی احترامی نموده‌اند. در بسیاری از این موارد وکلاء دادگستری حاضر در مجلسین از شئون قوه قضائیه دفاع نموده‌اند و یادر مطبوعات از وکلاء دادگستری آنها که نویسنده هم هستند بانتقادات خارج ازطریقه معمولی انتقاد جواب داده‌اند زیرا وکلاء دادگستری خوب میدانند که وابسته بدستگاه قضائی و بعقیده من عضو دستگاه قضائی هستند که هر کدام وظیفه‌ای را انجام میدهند اینکه میگویم عضو دستگاه قضائی بیخود نگفته‌ام در بعضی از کشورها لازمه قبول شغل قضاوت يك دوره وکالت دادگستری است در کشور ما بعد از آنکه تمام مراحل خدمت قضائی پیموده میشود رواساء و مستشاران دیوانعالی کشور و بسا اوقات قبل از بازنشستگی قضات و مستشاران بوکالت دادگستری میل پیدا میکنند و پروانه وکالت میگیرند پس ما دو شغل داریم ولی از هم جدا نیستیم و هر کدام در دیگری تأثیر دارد و دستگاه قضائی از ما دو جناح تشکیل میشود و بهمین جهت در شئون یکدیگر شریک هستیم.

وکلاء دادگستری طالب شئون و حیثیت همکاران دیگر خود یعنی قضات

میباشند و موارد و مواقعی پیش آمده که این امر را ثابت نموده‌اند بیاد دارم که در سال ۱۳۳۵ از طرف وزارت دادگستری ضمن لایحه‌ای تقاضای تغییر اصل هشتاد و دوم متمم قانون اساسی شده بود تا قید رضای قاضی عدلیه در تبدیل مأموریت او حذف شود

وکلاء دادگستری چون استقلال قوه قضائیه را تنها وسیله دفاع از حقوق افراد میدانند آن عده از وکلاء دادگستری که در سنا و مجلس شورای ملی سمت نمایندگی و سناتورری داشتند با این پیشنهاد مخالفت سرسختی نمودند و بالاخره قید رضایت قاضی برای تبدیل مأموریت محفوظ ماند بدین توضیح که در شرفیابی دسته جمعی اعضا کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر نظر کمیسیون مشترک را تأیید فرمودند

مورد دیگری بیاد آمد که تذکر آن بجا است که میرساند وکلاء دادگستری همیشه برای موفقیت دستگاه قضائی کوشیده‌اند یکی از مسائل مورد توجه پائین بودن سطح حق‌الزحمه قضات در برابر خدمات قضائی بود در دوره مجلس هیجدهم برای افزایش حقوق قضات از طرف دولت اقداماتی شد و منشاء آن این بود که اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر برای اصلاح دادگستری هیئتی را مأمور رسیدگی و تحقیق فرمودند از مجلس سنا مرحوم صدراالاشراف و آقای دکتر سجادی و از مجلس شوری آقای عماد تربتی و خود نویسنده این مقاله مأموریت در این مورد یافتند و بریاست مرحوم صدراالاشراف این کمیسیون با شرکت عده‌ای از اشخاص باعنوان قوه قضائیه از قبیل مرحوم حاج غلامحسین وثیقی و مرحوم مرتضی دادبان و جناب آقای میرمطهری رئیس فعلی دیوانعالی کشور و آقای ویشکائی و آقای سید احمد امامی در مجلس تشکیل گردید و مدتی کار کمیسیون ادامه داشت و چون برای خود آقایان مستشاران و رؤسای وزارت دادگستری مشکل بود در مورد لزوم افزایش حقوق قضات تذکر بدهند به پیشنهاد نویسنده این مقاله لزوم افزایش حقوق قضات به پیشنهادات دیگر افزوده شد

بعد از تنظیم گزارش همگی در کاخ سلطنتی شرف حضور یافته و مرحوم صدراالاشراف گزارش را تقدیم شاهنشاه معظم نمود و شفاهاً توضیحاتی بمرض رسانید که دستور اجراء مفاد گزارش را بدولت صادر فرمودند و از آن زمان بر اثر امر ملوکانه موضوع اضافه حقوق قضات را دولت جزء برنامه کار خود قرارداد و لایحه آنرا تهیه و بکمیسیون دادگستری آورد و تا آن تاریخ دولت موافق نبود زیرا میگفت سایر کارمندان دولت هم همین انتظار را خواهند داشت و حتی در مجلس شورایملی هم از طرف بعضی از وکلاء مخالفت بعمل آمد البته نه از نظر مخالفت با اصل موضوع بلکه بدان علت که این عمل تبعیضی است و باید در مورد همه مستخدمین یکسان رفتار شود.

چون مذاکرات در زمینه مخالفت در موقع طرح لایحه پیش آمد من که آنموقع در مجلس نماینده بودم ضمن نطقی سابقه امر را که منتهی بتمهیه این لایحه شده

بود با اطلاع مجلس رساندم و لایحه بتصویب رسید تا دو سال قبل هم که در روزنامه اطلاعات مقاله‌ای در اینموضوع نوشتم هیچ يك از قضات از این جریان سابقه و اطلاع نداشتند و اکنون مقتضی دانستم که تذکر مجددی در مجله کانون نسبت باینموضوع بدهم و قسمتی از صورت مجلس شورای ملی را در جلسه ۱۸۳ نقل میکنم. «نقل از جلسه شماره ۱۸۳»: (خلعتبری - بنده میخواهم با آقایان عرض کنم که این لایحه چطور شد که بمجلس آمد در هفت هشت ماه قبل اعلیحضرت همایونی تصمیمی اتخاذ فرمودند در اصلاح دادگستری يك هیئتی تعیین فرمودند از مجلس سنا و شورای ملی و چند نفر از رؤسای دیوان کشور که در آن هیئت خود جناب آقای دکتر سجادی هم تشریف داشتند (وزیر دادگستری) این هیئت بعد از هفت هشت مرتبه رسیدگی بطرق اصلاح دادگستری به نتیجه رسیدند و گزارش تهیه و آن گزارش را به اعلیحضرت همایونی تقدیم کردند که در آن گزارش ماده‌ای راجع بتأمین معیشت قضات دادگستری بود و در همان موقع چون کابینه تغییر پیدا کرد آقای دکتر امینی وزیر دادگستری را اعلیحضرت همایونی مأمور اجراء نظریات آن هیئت فرمودند بنا بر این منشأ تقدیم این لایحه از طرف دولت مبنی بر اوامر مؤکد اعلیحضرت همایونی در اصلاح دادگستری بود و این هیئت هم آن نظر را تقدیم کردند و بوزیر دادگستری ابلاغ شد این پایه عمل است و حالا که این طرح شد بنده که موافق در ماده ۱۴ اسم نوشتم باید عرض کنم که این نظر امروز بنده نیست بنده در سال ۱۳۲۶ و ۲۷ در روزنامه - کیمهان مقالاتی منتشر کردم که اولین شرط اصلاح دادگستری را تأمین معیشت قضات دادگستری دانستم و این اطلاع خودم را هم از مطبوعات خارجی کسب نمودم برای اینکه همین عمل را در بعضی از کشورها کردند و به نتیجه رسیدند.....) پس از بیانات اینجانب آقای عمیدی نوری مخبر کمیسیون دادگستری در ضمن نطق مفصلی با تأیید موضوع طرق عملی شدن آنرا مستدلاً ارائه نمود و آقای دکتر سجادی وزیر وقت هم که در کمیسیون دادگستری با اصل موضوع موافقت نموده بود بیانات آقای عمیدی نوری را تأیید کرد و لایحه بتصویب رسید.

با تهیه کتابخانه کانون و کلاء دادگستری محلی برای مطالعات قضات و وکلاء بوجود آمد تأسیس و انتشار مرتب مجله کانون و کلاء موجب شد که قضات محترم هم در صفحات مجله با انتشار مقالات خود به پیشرفت علمی دستگاه دادگستری کمک نمایند.

يك خدمت عمده که وکلاء دادگستری بجامعه میکنند و مخصوصاً در اجراء عدالت و استفاده مردم بی بضاعت از حق دفاع مؤثر است وکالت در دادگاه‌ها بصورت وکالت تسخیری است که بار سنگینی را از دوش دستگاه دادگستری و دادگاه‌ها بر میدارد - این خدمت بلاعوض و افتخاری که بوسیله وکلاء دادگستری انجام میشود در هیچ کشوری باینصورت انجام نمیگیرد چه در کشورهای دیگر یا حق الوکاله مناسب با عمل یا بهر حال حق الزحمه‌ای برای هر مورد میدهند و دفعاتی که وکلاء برای دفاع بلاعوض در سال دعوت میشوند از چند مورد یا یکی دوبار تجاوز نمیکنند ولی در

ایران قسمت عمده وقت و کلام دادگستری صرف وکالت مجانی میشود. ولی متأسفانه آن احساس همکاری که باید بین قضات و وکلاء دادگستری ما وجود داشته باشد با مقایسه با کشورهای دیگر وجود ندارد این يك نقيصه‌ایست که باید برطرف شود چه هدف هر دو باید اعتلاء دستگاه قضائی باشد قضات همیشه مورد احترام اند و باید باشند اما قاضی و وکیل بر یکدیگر رجحانی ندارند و لااقل خودشان درباره همدیگر نباید فرض رجحانی کنند تا در وصول بمقصود یعنی عظمت دستگاه قضائی خود را مشترك المنفعه بدانند و موفق شوند پس مقام وکالت هم نزد قاضی باید محترم باشد و الا اگر فرض جدائی بین این دو مقام شود موجب ضعف هر دو خواهد بود.

بعضی مواقع دیده میشود که در مواردی که وکیل مدافع انجام وظیفه میکند بعضی از قضات تصور میکنند که تلاش وکیل ممکن است برای گرفتن حق الوکاله باشد چنین فکری واقعاً روح وکیل را آزرده میکنند در این اواخر مواردی دیده‌ام که طرف دعوی وقتی با دفاع وکیلی مواجه میشود صریحاً بدادگاه نوشته و گفته که این دفاع برای خاطر حق الوکاله است این طرز تفکر صحیح نیست چه برای هر عملی پاداشی وحق الزحمه‌ای در قانون یا عرف منظور است وکیل دادگستری تاکنون تأمین آینده نداشته و در آینده هم هنوز زود است که تأمین کافی داشته باشد و هر کسی که خدمتی انجام میدهد در مقابل پاداشی است پس گرفتن حق الوکاله نباید ضعفی برای وکیل در مقابل قاضی شناخته شود چه هر قاضی هم پاداشی دارد که در ایام خدمت و بازنشستگی از آن استفاده میکنند و هیچ قاضی یا مستخدم دولت خدمت بلاعوض انجام نمیدهد اگر چنین طرز تفکری در يك قاضی نسبت بوکیل وجود داشته باشد آن بیگناهی که ممکن است متضرر شود موکل وکیل است و اگر چنین فکری نسبت بوکیل در قاضی وجود داشته باشد چگونه همکاری این دو امکان خواهد داشت برای مثال يك حق مسلم وکیل دادگستری این است که بدفاع او توجه شود و اگر توجه بدفاع وکیل نشود وکیل از قاضی مکرر خواهد شد چه موکل او قبول نخواهد کرد که وکیل دفاع نموده ولی قاضی بآن توجه نکرده است بلکه تصور خواهد کرد که وکیل قصور در دفاع کرده و شایستگی دفاع مقتضی و صحیح را نداشته است.

در واقع اگر وکیلی دفاع و به ادله ومدارکی استناد کند که وجود دارد ولی قاضی توجه و رسیدگی نکند و موکل وکیل را محکوم کند و حال آنکه اگر توجه و رسیدگی بدفاع و دلائل و مدارک میکرد موجب صدور حکم بنفع موکل وکیل میشد که محکوم شده است مثل این است که از يك قاضی رتبه یازده سلب سمت قضائی یا تنزل چندین رتبه شده باشد بدون اینکه دادگاه عالی انتظامی او را محکوم باین مجازات نموده باشد چه اشخاص از وکیلی که با وجود دلائل و مدارک کافی ودفاع صحیح محکوم شود سلب اعتماد خواهند نمود و این رویه نتایج نامطلوبی خواهد داشت که از موجبات صدمه بدستگاه قضائی هم خواهد بود و مردم را وادار به

تشبثات خواهد نمود و ارزش معلومات و مطالعه را از میان خواهد برد یا اگر وکیلی دفاع میکند و قاضی نشان بدهد که حوصله شنیدن دفاع را ندارد از مواردی است که از لحاظ همکاری قاضی و وکیل هر دو برای اجراء عدالت صحیح نیست و مخصوصاً موجب وقفه پیشرفت علمی میشود.

وکلاء دادگستری همیشه باید بدانند که احترام شغل آنها بستگی باحترام مقام قضا دارد و همیشه باید مقام قضاوت را محترم بدانند و هرگاه از وکیلی رفتاری برخلاف شئون و کالت در تخفیف و تحقیر مقام قضاوت سرزند برای حفظ روحیه همکاری بین قضات و وکلاء حتماً باید با اطلاع کانون وکلاء رسانده شود و اغماض نشود خوشبختانه از نظر وکلاء مرجعی برای تنظیم این همکاری وجود دارد که همه وقت برای تشکیلات قضائی قابل استفاده است.

اما متأسفانه درجهت قضات چنین مرجعی وجود ندارد که همکاری بین قضات و وکلاء و همچنین روابط بین قضات بایکدیگر و یا با جامعه را تنظیم کند در بسیاری از کشورها مجمع قضات وجود دارد و در مجامع و کنفرانس‌های حقوقی بین‌المللی نمایندگان مجامع قضات که نمایندگی قضات را دارند شرکت میکنند.

نویسنده مکرر بوزراء محترم دادگستری لزوم تشکیل مجمع قضائی را که منشا آثار مهمی در اصلاح دستگاه‌های دادگستری و حفظ حقوق قضات و شئون دادگستری و قضات و روابط آنها با وکلاء و مردم خواهد داشت و همچنین برای پیشرفت‌های علمی قضات هم مفید خواهد بود و نمایندگی قضات را خواهد داشت پیشنهاد نموده‌ام ولی تاکنون اقدامی باین امر لازم نشده است و اینک باز فرصتی پیش آمد که ضمن این مقاله تذکر سابق خود را تکرار کنم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی